

## نقش فاصله بین انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان شهر تهران

سیده فاطمه موسوی\*

استادیار روان‌شناسی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>

غلامرضا دهشیری

استادیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه فاصله بین انتظارات افراد از رابطه زناشویی و واقعیت در حال تجربه زندگی زناشویی با میزان رضایت زناشویی زوجین انجام شد. بدین منظور ۱۴۶ نفر متأهل (۸۷ زن و ۵۹ مرد) ساکن شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس تجارب واقعی زندگی زناشویی، مقیاس انتظارات از زندگی زناشویی و مقیاس سنجش ارتباط بود. نتایج نشان داد در تمام مؤلفه‌های رضایت زناشویی فاصله بین انتظارات افراد از رابطه زناشویی و واقعیت در حال تجربه زندگی زناشویی با میزان رضایت زناشویی همبستگی منفی و معناداری دارد، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد فاصله بین واقعیات و انتظارات در مؤلفه‌های حل تعارض و تعهد، نقش معناداری در پیش‌بینی میزان رضایت زناشویی دارند. نتایج همچنین نشان داد که در زنان فاصله بین انتظارات از رابطه زناشویی و واقعیت در حال تجربه زندگی زناشویی در مؤلفه‌های خودابرازگری، محبت، رابطه ایمن، ارتباط، حل تعارض به‌طور معناداری بیش‌تر از مردان بود.

### واژگان کلیدی

انتظارات، واقعیت، رضایت زناشویی

\* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۳۰

### مقدمه و بیان مسئله

ازدواج یک رابطه مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ به عنوان دو فرد منحصر به فرد است (جووا و بهاتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶)، لذا روابط بین این دو، نقش کلیدی در ابعاد مختلف زندگی آن‌ها داشته، بر شیوه زندگی آن‌ها تأثیرگذار بوده و مبنای رضایت زناشویی زوجین قرار می‌گیرد (میلر و تدر، ۲۰۱۱). رضایت زناشویی<sup>۲</sup> با همه ابعاد آن شامل اعتماد، تفاهم، امنیت و ثبات، عشق، حمایت دوجانبه، فداکاری و ارزیابی کلی فرد از موقعیت ازدواج خود محسوب شده (براکوود<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷)، به سادگی در قالب رضایت و شادمانی فرد از ازدواج خود توصیف می‌شود (بگول<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). بنابراین، رضایت زناشویی، پیامد یک ازدواج رضایت‌بخش و شاد قلمداد می‌شود.

نظریات متعددی در توجیه مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت و رضایت از رابطه زناشویی موجود است، نظریاتی که هر یک به طور کامل تبیینی کامل از موضوع یادشده فراهم نمی‌کند (میلر و تدر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱)، در توجیه نظری آن‌چه گفته شد می‌توان به نظریه وابستگی متقابل<sup>۶</sup> برگرفته از آرای کلی و تایات<sup>۷</sup> (۱۹۵۹) به عنوان بخشی از رویکرد وسیع‌تر تبادل اجتماعی اشاره کرد. این رویکرد بر این واقعیت تمرکز دارد که افراد چگونه هزینه‌ها و منافع یک رابطه خاص را ارزیابی کرده و چگونه رفتارهایشان تحت تأثیر این ارزیابی‌ها قرار می‌گیرد. طبق این نظریه، تبادل هزینه‌ها و پاداش‌های حاصل از یک رابطه با انتظارات آن‌ها از همان رابطه در تعامل قرار می‌گیرد. لذا، افراد بیش‌تر درگیر رابطه‌ای می‌شوند که رضایت‌مندی آن‌ها از آن رابطه بالا باشد، جایگزین‌های رابطه فعلی جذاب نباشند و موانع هیجانی و عملی ترک رابطه زیاد باشند. این رویکرد، بر این مبناست که نزدیکی و صمیمیت، کلید تمامی روابط است. رابطه ایده‌آل بر مبنای سطوح بالای پاداش‌ها و سطوح پایینی از هزینه‌ها مشخص می‌شود. مطابق با این

- 
1. Juvva & Bhatti
  2. marital satisfaction
  3. Brockwood
  4. Bagwell
  5. Miller & Tedder
  6. interdependence theory
  7. Kelley & Thibaut



رویکرد، چهار نوع هزینه و پاداش عاطفی، ابزاری، اجتماعی و فرصت (موقعیتی)<sup>۱</sup> وجود دارد. پاداش‌ها و هزینه‌های عاطفی به ترتیب شامل عواطف مثبت و منفی است که به خصوص در یک رابطه صمیمی تجربه می‌شود. پاداش‌ها و هزینه‌های ابزاری شامل فعالیت‌ها یا تکالیفی است که در یک رابطه ایجاد می‌شود. این گونه فعالیت‌ها، می‌تواند در قالب ایفای نقش‌ها و یا سرباز زدن از پذیرش تکالیفی خاص نمود یابد. پاداش‌ها و هزینه‌های اجتماعی با ظاهر و پرستیژ اجتماعی فرد گره خوره و توانایی تعامل در محیط‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد، ویژگی‌هایی که می‌تواند موجبات تسهیل در روابط اجتماعی (پاداش) یا وقفه در تعاملات اجتماعی (هزینه) را فراهم کند، پاداش‌ها و هزینه‌های مربوط به فرصت‌ها نیز به موقعیت‌های برخاسته از روابط اشاره دارد، امری که اختصاص به یک رابطه خاص داشته و به صورت فردی قابل دستیابی نیست (گوئررو، آندرسون و افیفی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

همان‌گونه که گفته شد، صرف دانستن اینکه رابطه فعلی دارای پیامدهای مثبت یا منفی است، همیشه به رضایت افراد از رابطه فعلی منجر نمی‌شود. بوئن<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) بر این باور است که برای بررسی رضایت از زندگی زوجین، می‌بایست به دیدگاه ادراک شده و دیدگاه ایده‌آل در منظر اعضای خانواده توجه کرد. افراد اغلب، دارای انتظاراتی از رابطه مطلوب زناشویی خود در آینده هستند (میلر و تدر، ۲۰۱۱) این‌گونه انتظارات که گاه مبهم، غیرواقعی، ناقص، ابرازنشده و یا توأم با سوءبرداشت است، می‌تواند به صورت منفی روابط همسران را متأثر کرده، شامل ارزش‌ها و رسوم خانوادگی و روابط گذشته، تجارب گذشته و... است. به باور جووا و بهاتی<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) این‌گونه انتظارات دربرگیرنده چهار مؤلفه است: ۱) انتظارات زن و شوهر از یکدیگر به عنوان شریک زندگی (برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی یا جامعه چون برابری نقش‌ها)؛ ۲) انتظارات هر کدام از ازدواج (برگرفته از موقعیت اجتماعی یا فعالیت‌های مرتبط با خود و هر آنچه موجب بازشناسی وی به عنوان فرد متأهل می‌شود)؛ ۳) انتظارات هر یک از خانواده همسر (مبتنی بر گسترش شبکه‌های اجتماعی و ترجیح گستره خانواده اعم از هسته‌ای یا گسترده)؛ ۴) انتظارات زوجین از نهاد ازدواج (مبتنی بر تعاملات دو نفره برای

1. emotional, social, instrumental & opportunity

2. Guerrero, Andersen & Afifi

3. Bowen Gary

کمک به رشد و توسعه فردی، برقراری آرامش، ایجاد اعتماد، امنیت، صداقت و وفادارای به یکدیگر برای تکمیل وظایف یعنی وظایف منتهی به نهاد ازدواج چون فرزندآوری و رشد اجتماعی فرزندان) و در نهایت؛ ۵) تصور یا مفهومی که هر یک از «همسر ایده‌آل» در ذهن خود داشتند. میزان برآورده شدن انتظارات و خواسته‌های هریک از زوجین، می‌تواند مبنای رضایت از زندگی زناشویی قرار گرفته، فاصله بین واقعیت و انتظارات از زندگی زناشویی می‌تواند توجیهی برای رضایت همسران از رابطه زناشویی فراهم کن (میلر و تدر، ۲۰۱۱). بسیاری از مشکلات ارتباطی یا نارضایتی‌های همسران نیز از انتظارات غیرواقعی و مبهم یا فاصله موجود بین انتظارات پیش از رابطه و واقعیت موجود نشأت می‌گیرد (مارکوس<sup>۱</sup>، بی‌تا). کنی و اسیتلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۱، به نقل از میلر و تدر، ۲۰۱۱) بر این باور هستند که انتظارات صحیح، موجب می‌شود افراد نیازهای شریک زندگی خود را به درستی ارزیابی کرده، رفتارهای آنها را پیش‌بینی کنند، در نتیجه احساس کنترل، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت در آنها پرورش یافته، به تعاملات سازگار و سطوح بالایی از رضایت زناشویی منجر می‌شود. فاوور، منتل و اولسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) دریافتند که طلاق و جدایی در زوجها ناشی از فاصله بین انتظارات و تصورات آنها از ازدواج و واقعیتی بود که در یک رابطه زناشویی آن را تجربه کرده بودند. یافته‌های پژوهش شایسته، صاحبی و علیپور (۱۳۸۵) نیز نشان داد که رضایت زناشویی و متغیرهای شناختی همچون انتظارات غیر منطقی زوجین با یکدیگر همبستگی دارند. سفیری و هادیان (۱۳۸۸) دریافتند که بین تحقق انتظارات زنان متأهل از همسران خود با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود داشته، تحقق انتظارات زنان قادر است ۵۳/۲٪ از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین کند. به باور میلر و تدر (۲۰۱۱) افرادی که از پیش انتظار رابطه پاداش دهنده داشتند، در صورتی از رابطه فعلی خود احساس رضایت می‌کنند که آن را برآورده‌کننده انتظارات پیشین خود بدانند. این امر در نظریه وابستگی متقابل به سطوح مقایسه اشاره دارد. سطوح مقایسه دربرگیرنده انتظاراتی است که فرد از انواع پیامدها و نتایج یک رابطه خاص دارد (تایبات و کلی، ۱۹۵۹). این گونه انتظارات، از مقایسه روابط گذشته فرد و مشاهدات

---

1. Marcus

2. Kenny & Acitelli

3. Fowers Montel & Olson



جاری او از روابط دیگران حاصل می‌آید و مبنای رضایت فرد از رابطه را تشکیل داده (گریفن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱) و میزان تعهد به رابطه موجود را پیش‌بینی می‌کند. با این حال، موقعیت‌های معدودی نیز وجود دارد که افراد به رابطه فعلی خود متعهد باقی می‌مانند، اما رضایتی از رابطه موجود احساس نکرده یا با داشتن حس رضایت از رابطه، ممکن است تعهدی به رابطه فعلی در خود احساس نکنند (گوئررو و همکاران، ۲۰۰۷). در عین حال، افرادی که در یک رابطه سرمایه-گذارانی بیش‌تری کرده باشند، تعهد بیش‌تری به رابطه داشته، رضایت بیش‌تری از رابطه خواهند داشت (کرافورد<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). تجربه زندگی زناشویی، علاوه بر تعهد، ابعاد دیگری را نیز در بر می‌گیرد که طبق مطالعات انجام شده در خصوص عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی، شامل خلق و خو، رفتارهای نگهدارنده، دلبستگی ایمن به شریک زندگی و احساس امنیت در رابطه، ارزیابی از رابطه زناشویی (بگول، ۲۰۰۶) صمیمیت، اعتماد، عشق، مثبت‌گرایی، گشودگی، کیفیت ارتباطات، تقسیم وظایف و ایفای نقش (برابری) (میلر و تدر، ۲۰۱۱) می‌شود. خودابرازگری، به عنوان مؤلفه مهم صمیمیت، شامل بیان احساسات، نگرش‌ها و تجارب صمیمانه خود به شریک زندگی بوده و به اعتماد دوجانبه و ایمنی در رابطه زناشویی منجر می‌شود. مطالعات نشان داده است که خودابرازگری، رابطه مثبتی با رضایت از زندگی زناشویی همسران داشته، پژوهش‌های دیگری بر کیفیت ارتباطات متمرکز بوده، نقص در مهارت‌های ارتباطی را از عوامل موجد مشکلات زناشویی ذکر می‌کنند. این مطالعات بیان می‌کنند که زوجین دارای تعارضات زناشویی، از مهارت‌های ارتباطی خود به عنوان سلاحی برای ارسال پیام‌های منفی به شریک خود بهره می‌گیرند (هاید و دلما تور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). مطالعه مک‌دانیل، لویز و هولمز<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) نیز نشان داد که ارتباطات بین همسران پیش‌بینی کننده خوبی برای رضایت آن‌ها از رابطه زناشویی محسوب می‌شود. برابری، به توزیع عادلانه نقش‌های بین همسران در رابطه زناشویی اشاره دارد که طی ادوار مختلف دستخوش تغییرات گوناگونی شده است، طبق نظریه برابری<sup>۵</sup> افرادی از رابطه خود رضایت داشته و احساس شادکامی می‌کنند که در دریافت

1. Griffin
2. Crawford
3. Hyde & DeLamater
4. McDaniel, Lopez & Holmes
5. Equity Theory

پاداش‌ها و متحمل شدن هزینه‌ها به احساسی از برابری و توازن دست یافته باشند (هاتفیلد و راپسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد زوج‌هایی که در نقش‌های محوله خود در رابطه زناشویی، احساس برابری بیش‌تری دارند، رضایت زناشویی بیش‌تری را نیز گزارش کرده‌اند (اسپرچر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸، تروپمن، هاتفیلد و وکسلر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳). این در حالی است که در پژوهش تانیگوچی و کافمن<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) مشاهده می‌شود که زنان تساوی‌گرا کم‌تر از زنان با نقش‌های سنتی، از زندگی زناشویی خود رضایت داشتند.

در پژوهش اگلسکی و باورز<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) رفتارهای نگهدارنده منجر به رضایت زناشویی در زنان بیش از مردان گزارش شد. در مطالعه تری و اسکات<sup>۶</sup> (۱۹۸۷) فاصله موجود میان نقش‌های مطلوب و نقش‌های واقعی با رضایت زناشویی زنان ارتباط محکم‌تری نشان داد تا رضایت زناشویی مردان. در مردان رضایت شغلی با رضایت زناشویی ارتباط بیش‌تری نشان داد. در مطالعه ایوب و اقبال<sup>۷</sup> (۲۰۱۱) ارتباطات، مصالحه و درک متقابل و رضایت جنسی از مؤلفه‌های مهم رضایت زناشویی در مردان و عوامل یاد شده منهای رضایت جنسی از عوامل رضایت زناشویی در زنان گزارش گردید. نتایج پژوهش راین<sup>۸</sup> (۱۹۸۱) نشان داد که کیفیت زناشویی مردان و زنان بیش از اینکه در نوع آن متفاوت باشد، در میزان آن متفاوت است. با این حال، رضایت زناشویی زنان زمانی بیش‌تر بود که همراهی مردان با آن‌ها و گذران اوقاتی با فرزندان و دوستان در زندگی زناشویی مشهود بود.

با توجه به آنچه گفته شد، با اینکه ماهیت صرف انتظارات، صرف نظر از صحیح بودن یا دارا بودن سوگیری، می‌تواند به عنوان مؤلفه پیش‌بین رضایت زوجین از زندگی زناشویی تلقی شود، این مطالعه، در پی این است تا فاصله بین انتظارات تا واقعیت رابطه بین همسران را به عنوان مؤلفه پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی زنان و مردان متأهل بررسی کند.

1. Hatfield & Rapson
2. Sprecher
3. Traupmann, Hatfield, & Philip
4. Taniguchi & Kaufman
5. Ogolsky & Bowers
6. Terry & Scott
7. Ayub & Iqbal
8. Rhyne



## روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه افراد متأهل ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۳ بودند. از جامعه فوق ۱۴۶ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شد که از این بین ۸۷ نفر زن و ۵۹ نفر مرد بودند. دامنه سنی افراد انتخاب شده بین ۲۱ - ۶۰ سال و با میانگین ۳۴/۹۸ و انحراف استاندارد ۸/۲۱ بود. همچنین دامنه مدت ازدواج افراد انتخاب شده بین ۱ - ۴۲ سال با میانگین ۱۰/۵۸ و انحراف استاندارد ۸/۳۵ بود. داده‌های حاصل از اجرای مقیاس‌ها از طریق نرم افزار SPSS20 با استفاده از آزمون همبستگی، رگرسیون گام به گام و آزمون t تجزیه و تحلیل شد.

ابزارهای سنجش پژوهش عبارت بودند از:

**مقیاس تجارب واقعی زندگی زناشویی:** که میلر و تدر (۲۰۱۱) برای اندازه‌گیری تجارب واقعی در رابطه زناشویی ساخته‌اند. در این پرسشنامه از فرد خواسته می‌شود میزان رضایت خود را در ۹ مؤلفه اصلی رابطه زناشویی مشخص کند. این ۹ مؤلفه عبارتند از رفتارهای نگهدارنده<sup>۱</sup>، تعهد<sup>۲</sup>، کیفیت ارتباط<sup>۳</sup>، حل تعارض<sup>۴</sup>، خودابرازگری<sup>۵</sup>، محبت<sup>۶</sup>، ایمنی در رابطه<sup>۷</sup>، ایفای نقش در رابطه همسری<sup>۸</sup> و برابری<sup>۹</sup>. تعداد گویه‌های مربوط به هر مؤلفه ۵ گویه و در مجموع گویه‌های پرسشنامه ۴۵ گویه است. مقیاس به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. دامنه ضرایب همسانی درونی برای ۹ خرده‌مقیاس پرسشنامه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۸ گزارش شده است (میلر و تدر، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر ضرایب همسانی خرده‌مقیاس خودابرازگری ۰/۶۴، برابری ۰/۷۸، محبت ۰/۵۹، رابطه ایمن ۰/۷۱، تعهد ۰/۶۵، کیفیت ارتباط ۰/۸۳، رفتارهای نگهدارنده ۰/۷۰، حل تعارض ۰/۷۸ و

1. maintenance behaviors
2. commitment
3. quality of communication
4. conflict resolution
5. self-disclosure
6. affection
7. relational certainty/security
8. role within the relationship
9. equity

ایفای نقش ۰/۷۶ محاسبه شد.

**مقیاس انتظارات از زندگی زناشویی:** که میلر و تدر (۲۰۱۱) آن را برای سنجش انتظارات افراد در ۹ مؤلفه اصلی رابطه زناشویی (یاد شده در سطور پیش) طراحی کردند. گویه‌های پرسشنامه شبیه به گویه‌های پرسشنامه تجارب واقعی زندگی زناشویی است، با این تفاوت که فرد میزان انتظارات خود از هر یک از مؤلفه‌ها را بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) مشخص می‌کند. دامنه ضرایب همسانی درونی برای نه خرده مقیاس پرسشنامه انتظارات بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۳ گزارش شده است (میلر و تدر، ۲۰۱۱). در پژوهش حاضر ضرایب همسانی خرده مقیاس‌های خودابرازگری ۰/۷۶، برابری ۰/۶۸، محبت ۰/۵۷، رابطه ایمن ۰/۵۶، تعهد ۰/۷۱، کیفیت ارتباط ۰/۸۰، رفتارهای نگهدارنده ۰/۶۲، حل تعارض ۰/۶۵ و ایفای نقش ۰/۸۲ محاسبه شد.

**مقیاس سنجش ارتباط:** این مقیاس را هندریک (۱۹۸۸) به منظور ارزیابی میزان رضایت کلی افراد از رابطه زناشویی ساختند و مشتمل بر هفت گویه با طیف لیکرت پنج درجه‌ای (رضایت کم تا رضایت بالا) است. ضریب همسانی درونی مقیاس ۰/۸۶ گزارش شده است (هندریک، ۱۹۸۸). در پژوهش حاضر ضریب همسانی درونی مقیاس ۰/۸۷ محاسبه شد.

### یافته‌های پژوهش

به منظور محاسبه فاصله بین واقعیت در حال تجربه زندگی زناشویی و انتظارات از زندگی زناشویی در هر یک از مؤلفه‌های رضایت زناشویی ابتدا نمرات افراد در بخش تجارب واقعی زندگی زناشویی و نیز نمرات آن‌ها در انتظارات از زندگی زناشویی در هر یک از مؤلفه‌ها محاسبه شد، سپس تفاضل نمرات انتظارات در هر مؤلفه، از نمرات تجربیات واقعی افراد محاسبه شد و بدین ترتیب نمره فاصله بین واقعیت و انتظارات در نه مؤلفه به دست آمد. در جدول ۱ ماتریس همبستگی بین فاصله بین واقعیت و انتظارات در ۹ مؤلفه با رضایت زناشویی ارائه شده است.





جدول ۱: ماتریس همبستگی بین فاصله واقعیت و انتظارات از زندگی زناشویی با رضایت زناشویی

| متغیر              | ۱     | ۲    | ۳    | ۴    | ۵    | ۶    | ۷    | ۸    | ۹    | ۱۰   |
|--------------------|-------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| رضایت زناشویی      | ۱     |      |      |      |      |      |      |      |      |      |
| خودابرازگری        | -۰/۴۰ | ۱    |      |      |      |      |      |      |      |      |
| برابری             | -۰/۵۵ | ۰/۶۴ | ۱    |      |      |      |      |      |      |      |
| محبت               | -۰/۴۰ | ۰/۶۲ | ۰/۵۹ | ۱    |      |      |      |      |      |      |
| رابطه ایمن         | -۰/۳۷ | ۰/۵۲ | ۰/۵۰ | ۰/۵۸ | ۱    |      |      |      |      |      |
| تعهد               | -۰/۵۳ | ۰/۶۱ | ۰/۶۵ | ۰/۶۸ | ۰/۵۷ | ۱    |      |      |      |      |
| کیفیت ارتباط       | -۰/۵۲ | ۰/۷۵ | ۰/۶۸ | ۰/۶۷ | ۰/۶۲ | ۰/۷۸ | ۱    |      |      |      |
| رفتارهای نگهدارنده | -۰/۴۸ | ۰/۵۴ | ۰/۶۴ | ۰/۶۶ | ۰/۵۲ | ۰/۶۳ | ۰/۶۷ | ۱    |      |      |
| حل تعارض           | -۰/۵۸ | ۰/۶۰ | ۰/۷۷ | ۰/۶۱ | ۰/۴۷ | ۰/۶۸ | ۰/۶۹ | ۰/۷۱ | ۱    |      |
| ایفای نقش          | -۰/۴۸ | ۰/۷۰ | ۰/۶۶ | ۰/۶۴ | ۰/۵۵ | ۰/۶۵ | ۰/۷۳ | ۰/۷۲ | ۰/۶۸ | ۱    |
| میانگین            | ۲۶/۶۶ | ۲/۱۵ | ۲/۴۷ | ۱/۶۴ | ۱/۱۳ | ۲/۵۱ | ۲/۶۱ | ۲/۶۴ | ۲/۲۴ | ۱/۹۷ |
| انحراف استاندارد   | ۶/۵۹  | ۳/۶۳ | ۴/۳۷ | ۳/۹۸ | ۳/۸۱ | ۳/۶۹ | ۵/۱۰ | ۳/۸۵ | ۴/۵۱ | ۴/۱۸ |

تمامی همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. \*\*

چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دامنه همبستگی بین تمامی ابعاد فاصله بین واقعیت و انتظارات با رضایت زناشویی منفی و معنادار است. بیشترین همبستگی مربوط به فاصله بین واقعیت و انتظارات در مؤلفه حل تعارض با رضایت زناشویی است [  $r(144) = -0.58, P < 0.001$  ]. کمترین همبستگی رضایت زناشویی با فاصله بین واقعیت و انتظارات در مؤلفه رابطه ایمن است [  $r(144) = -0.37, P < 0.001$  ]. این یافته حاکی از آن است که هر چه فاصله بین واقعیات در حال تجربه افراد و انتظارات در رابطه زناشویی بیشتر باشد، سطح رضایت زناشویی کم‌تر است.

به منظور بررسی اینکه فاصله بین واقعیت و انتظارات در کدامیک از ابعاد ارتباط زناشویی نقش معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: رگرسیون رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های فاصله بین واقعیت و انتظارات

| متغیر    | R    | R <sup>۲</sup> | B      | $\beta$ | t      | P     |
|----------|------|----------------|--------|---------|--------|-------|
| مدل ۱    | ۰/۵۸ | ۰/۳۳*          |        |         |        |       |
| حل تعارض |      |                | - ۰/۸۴ | - ۰/۵۸  | -۸/۳۸  | ۰/۰۰۱ |
| مدل ۲    | ۰/۶۱ | ۰/۳۷*          |        |         |        |       |
| حل تعارض |      |                | - ۰/۵۹ | - ۰/۴۰  | - ۴/۳۸ | ۰/۰۰۱ |
| تعهد     |      |                | - ۰/۴۵ | - ۰/۲۵  | - ۲/۷۶ | ۰/۰۰۱ |

\*\* P < ۰/۰۱

\* P < ۰/۰۵

چنانچه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در گام اول فاصله بین واقعیت و انتظارات در مؤلفه حل تعارض وارد معادله رگرسیون شده است. این مؤلفه ۳۳٪ از تغییرات رضایت زناشویی را تبیین می‌کند [F(۱, ۱۴۱) = ۷/۱۷, P < ۰/۰۰۱]. در گام دوم فاصله بین واقعیت و انتظارات در مؤلفه تعهد وارد معادله شده است، با اضافه شدن این مؤلفه میزان ضریب تعیین به ۳۷٪ افزایش پیدا کرده است ( $\Delta R^2 = ۰/۰۴$ ). فاصله بین واقعیات و انتظارات در مؤلفه‌های حل تعارض و تعهد، ۳۷٪ از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند.

[F(۲, ۱۴۰) = ۷۰/۱۷, P < ۰/۰۰۱].

به منظور مقایسه میانگین فاصله بین واقعیات و انتظارات در مؤلفه‌های رضایت زناشویی در میان مردان و زنان از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.



جدول ۳: نتایج آزمون t برای مقایسه فاصله بین واقعیت و انتظارات در دو جنس

| متغیر              | مردان   |                  | زنان    |                  | t      |
|--------------------|---------|------------------|---------|------------------|--------|
|                    | میانگین | انحراف استاندارد | میانگین | انحراف استاندارد |        |
| خودابرازگری        | ۱/۳۲    | ۳/۵۴             | ۲/۷۳    | ۳/۶۰             | ۳/۳۲*  |
| برابری             | ۱/۷۳    | ۴/۰۵             | ۲/۹۹    | ۴/۵۳             | ۱/۷۱   |
| محبت               | ۰/۴۱    | ۳/۶۴             | ۲/۴۹    | ۴                | ۳/۱۹** |
| رابطه ایمن         | ۰/۱۰    | ۳/۵۹             | ۱/۸۴    | ۳/۸۲             | ۲/۷۴** |
| تعهد               | ۱/۹۳    | ۳/۰۴             | ۲/۹۲    | ۴/۰۵             | ۱/۵۸   |
| کیفیت ارتباط       | ۱/۴۱    | ۴/۸۳             | ۳/۴۵    | ۵/۱۴             | ۲/۴۰*  |
| رفتارهای نگهدارنده | ۲/۲۰    | ۳/۵۰             | ۲/۹۴    | ۴/۰۷             | ۱/۱۳   |
| حل تعارض           | ۱/۰۸    | ۳/۹۸             | ۳/۰۵    | ۴/۷۰             | ۲/۶۲** |
| ایفای نقش          | ۱/۰۳    | ۴/۲۹             | ۲/۶۲    | ۴                | ۲/۲۷*  |

\*\* P &lt; ۰/۰۱

\* P &lt; ۰/۰۵

چنانچه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در مؤلفه‌های خود ابرازگری، محبت، رابطه ایمن، ارتباط، حل تعارض و نقش میانگین فاصله بین واقعیت و انتظارات زنان به‌طور معناداری بیش‌تر از مردان است، اما در مؤلفه‌های برابری، تعهد و رفتارهای نگهدارنده تفاوت معناداری بین میانگین فاصله بین واقعیت و انتظارات زنان و مردان وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از روابط زناشویی به دلایل متعددی در همان سال‌های آغازین یا سال‌ها بعد خاتمه می‌یابند، از شایع‌ترین علل آن، این است که افراد با انتظاراتی خاص، خود را در روابطی درگیر می‌کنند که با مشاهده برآورده نشدن یا بیان نشدن آن‌ها، به آغاز شدن اثر دومینویی تخریب بر ابعاد مختلف زندگی زناشویی همسران منجر شده و به مرور روابط بین آن‌ها را تیره می‌کند. این پژوهش با مطالعه ابعاد مؤثر بر رضایت افراد از زندگی زناشویی در دو بخش انتظارات از رابطه زناشویی و تجارب واقعی‌ای که افراد در حال حاضر درگیر آن هستند، قصد داشت تا رابطه فاصله و اختلاف موجود بین انتظارات و واقعیت موجود در زندگی زناشویی را با

رضایت زناشویی افراد متأهل بررسی کند. در پی دستیابی به این هدف، تعدادی از زنان و مردان متأهل شهر تهران مطالعه شدند.

نتایج این مطالعه نشان داد که هر چه افراد متأهل بین انتظارات زناشویی و واقعیت زناشویی در حال تجربه خود، فاصله و اختلاف بیش‌تری احساس کنند، به همان میزان از رضایت زناشویی کم‌تری بهره‌مند خواهند بود. ارتباط بین فاصله انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در همه ابعاد آن شامل خودابرازگری، برابری، محبت، رابطه ایمن، تعهد، کیفیت ارتباط، رفتارهای نگهدارنده، حل تعارض و ایفای نقش با رضایت زناشویی منفی و معنادار بود. در همسو بودن این یافته با موضوع سطوح مقایسه در نظریه وابستگی متقابل، باید گفت زنان و مردان پیش از قرار گرفتن در رابطه زناشویی، در ابعاد مختلف ارتباطی چون دریافت محبت از سوی همسر، نقش‌های همسری، تعهد به رابطه زناشویی، میزان ابراز صمیمیت و ایجاد یک رابطه امن و در عین حال محرمانه و خصوصی با همسر انتظار رابطه پاداش‌دهنده و تقویت‌کننده‌ای از همسر خود دارند، این‌گونه انتظارات که به باورگریفن (۲۰۱۱) اغلب از مقایسه روابط گذشته فرد و مشاهدات جاری او از روابط دیگران به‌وجود آمده، در صورت برآورده شدن، موجبات رضایت از رابطه و در نهایت تعهد به چنین رابطه‌ای قرار می‌گیرد، برعکس، چنان‌چه، افراد رابطه زناشویی در حال تجربه خود را ارضاکننده انتظارات یاد شده ندانند، ناکام می‌مانند و در چرخه احساسات منفی چون نارضایتی، خشم، افسردگی و اضطراب گرفتار می‌شوند و برای گریز از چنین احساساتی به اقدامات مقابله‌ای توسل می‌جویند، این موضوع مطابق با یافته مطالعه هاید و دلماتور (۲۰۰۸) می‌تواند خود منشاء اختلافات حاد و مزمن زناشویی و انواع ناسازگاری‌هایی شود که خانواده‌های بسیاری را از نعمت مهر و محبت زناشویی محروم کرده است، بنا به نتایج مطالعه گوئرو و همکاران (۲۰۰۷) موجب شود تا زوجین به دلیل برخی تعهدات زندگی زناشویی، عمری را با نفرت، کراهت، اضطراب و دغدغه خاطر در کنار هم به‌سر برند، گاه نیز با محاسبه سود و زیان دریافتی از چنین رابطه‌ای، به تعهدات خود خاتمه داده و به این نتیجه می‌رسند که ادامه زندگی مشترک به هر شکل برای یکی یا هر دو امکان‌پذیر نیست و به‌جز رنج نتیجه‌ای در بر ندارد، نتایج مطالعات فاور و همکاران (۱۹۹۹) نیز مبنی بر جدایی زوجینی با منشاء اختلاف مشاهده شده بین انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی نیز شاهد این مدعاست. این یافته، همچنین با نتایج مطالعات سفیری و



هادیان (۱۳۸۸) و شایسته و همکاران (۱۳۸۵) همسو است.

یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد که از بین ابعاد مربوط به انتظارات و تجربیات فعلی زناشویی، فاصله بین انتظارات و واقعیت زناشویی در مؤلفه‌های حل تعارض و تعهد، قادر بود ۳۷٪ از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند. این به این معناست که افراد در رابطه زناشویی هرچه بین انتظارات از همسر برای درگیر شدن در حل مشکلات زناشویی و مهم بودن دغدغه‌های خود برای شریک زندگی، نیز انتظارات از او برای صرف زمان و انرژی کافی برای رابطه زناشویی، متعهد بودن به رابطه و تصور از آینده باهم بودن و واقعیت در حال تجربه، فاصله کم‌تری احساس کنند، رضایت بیش‌تری از رابطه زناشویی خواهند داشت، این موضوع نشان از اهمیت دو بعد تلاش برای حل تعارضات زناشویی و تعهد به رابطه همسری در افزایش یا کاهش رضایت زناشویی دارد. یافته‌های مطالعه مارکوس (بی‌تا) و تدر و میلر (۲۰۱۱) نیز حاکی از رابطه انتظارات غیرواقعی و مبهم یا فاصله موجود بین انتظارات پیش از رابطه و واقعیت موجود و اختلافات زناشویی است. بنا به باور بوئن (۱۹۸۸) در مطالعه رضایت افراد از رابطه همسری، توجه به دیدگاه ادراک شده و دیدگاه ایده‌آل آن‌ها ضروری است، افراد با انتظاراتی از رابطه مطلوب زناشویی خود در آینده، وارد رابطه همسری به معنای واقعی خود شده، با مشاهده همخوانی‌ها و مطابقت‌های بین انتظارات پیشین و واقعیت موجود، به قضاوت درباره رابطه خود و میزان رضایت از آن مبادرت می‌ورزند. با عنایت به اینکه بسیاری از این انتظارات از مشاهده روابط مشابه در اطرافیان حاصل می‌آید، زوجین تلاش می‌کنند تا در صورت مشاهده ناهمخوانی و تأیید نامناسب بودن انتظارات، اقدام به بازخوانی و گاه تعدیل انتظارات پیشین خود از رابطه زناشویی کنند، گاه نیز با تثبیت انتظارات پیشین، در تلاش مجدانه برای محقق کردن آن‌ها در رابطه کنونی، به راهکارهای مسالمت‌آمیز و سازشکارانه یا تعارض و کشمکش روی آورده، این امر به نوبه خود، به بیش‌تر شدن شکاف‌های موجود منجر شده و به نارضایتی‌ها دامن می‌زند. یافته فوق نشان می‌دهد که از بین ابعاد مختلفی چون خودابرازگری، محبت، رابطه ایمن، کیفیت ارتباط، رفتارهای نگهدارنده و ایفای نقش، افراد انتظارات خود را با واقعیت رابطه زناشویی، در ابعاد حل تعارض و تعهد به رابطه زناشویی، ناهمخوان‌تر ارزیابی کرده، لذا نارضایتی زناشویی بیش‌تری را احساس می‌کنند، لذا بنا به دیدگاه کنی و اسیتلی (۲۰۰۱)، به نقل از میلر و تدر، (۲۰۱۱) چنان‌چه زوجین انتظارات صحیح

خود را در رابطه واقعی زناشویی برآورده شده ببینند، به ارزیابی درست نیازهای شریک زندگی خود، پیش‌بینی رفتارهای یکدیگر و احساس امنیت بیش‌تر در رابطه زناشویی قادر خواهند بود و تعاملات حاکی از سازگاری همراه با سطوح بالایی از رضایت زناشویی را تجربه خواهند کرد.

نتایج همچنین نشان داد که واقعیت رابطه زناشویی زنان در مقایسه با مردان کم‌تر برآورده کننده انتظارات زناشویی آنها است. بنابراین، می‌توان گفت انتظارات زنان در خصوص تلاش همسرانشان برای درک ناراحتی آنها و مشارکت آنها در حل تعارضات زناشویی با واقعیت در حال تجربه زناشویی نسبت به مردان تطابق کم‌تری نشان می‌دهد. همچنین زنان در مقایسه با مردان، از بیان صمیمانه احساسات، عواطف و تجربیات خود به همسرانشان جو راحتی را احساس نمی‌کنند. این یافته، حاکی از تفاوت زنان با مردان در خصوص ادامه رابطه زناشویی، صرف زمان و انرژی کافی برای تثبیت رابطه و ثبات احساسات و عواطف نسبت به همسر است. به این معنا که زنان کم‌تر از مردان، انتظارات خود را از وجود امنیت در رابطه زناشویی برآورده شده می‌پندارند، لذا تردید بیش‌تری نسبت به تداوم رابطه زناشویی و سرمایه‌گذاری کافی از سوی شوهر در رابطه موجود احساس می‌کنند. زنان در انتظارات خود برای دریافت محبت از سوی همسر و ایجاد ارتباط صمیمانه و حاکی از توجه و نقش‌های او، ناکامی بیش‌تری احساس می‌کنند. در توجیه این یافته شاید بتوان با استناد به نقش‌های اجتماعی و ویژگی‌های روان‌شناختی زنان در مقایسه با مردان اشاره کرد، چرا که در نیاز به ایجاد جو صمیمانه و راحت با همسر برای درمیان‌گذاردن عواطف و تجربیات خصوصی، نگرانی برای تداوم رابطه زناشویی با عنایت به ظرفیت چندهمسری در مردان، زنان دغدغه‌های بیش‌تری احساس می‌کنند. در تأیید این یافته، می‌توان به مطالعات راین (۱۹۸۱)، ایوب و اقبال (۲۰۱۱)، اگلگی و باورز (۲۰۱۳) و اهمیت درک متقابل، صمیمیت، همراهی و ارتباطات باز استناد کرد.

با عنایت به یافته‌های پژوهش و لزوم توجه به واقعیت‌های موجود در رابطه همسران و اهمیت تصور انتظارات معقول برای منتفع شدن از رابطه همسری در آینده، برای افرادی که در شرف ازدواج هستند، و نیز شناسایی زوج‌های در معرض خطر جدایی و تجهیز آنها به مهارت‌های مورد نیاز برای ادامه زندگی زناشویی، بازخوانی و مرور انتظارات پیشین و اصلاح



و تطبیق آن‌ها با واقعیات موجود، امری ضروری به شمار می‌رود، چرا که این دسته از همسران در حین تعارضات زناشویی، مشکلات خود را بیش از حد بزرگ‌نمایی کرده و گرایش بیش‌تری به جداشدن و طلاق از خود نشان می‌دهند. آموزش زوجها برای داشتن تصورات روشن و واقعی از زندگی مشترک، می‌تواند مهارت‌های مقابله‌ آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌ها و افت و خیزهای زندگی زناشویی تقویت کند. در این راستا برنامه‌ریزی جلسات مداخله مؤثر و یاری‌کننده خواهد بود.

## منابع

- سفیری، خدیجه و هادیان، زینب (۱۳۸۸). بررسی رابطه تحقق انتظارات زنان متأهل از همسران شان با رضایت زناشویی. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*. ۳۴: ۴۹-۷۰.
- شایسته، گلنار، صاحبی، علی و علیپور، احمد (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایت مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیر منطقی زوجین. *خانواده پژوهی*. ۲(۷): ۲۲۳-۲۳۸.
- Ayub, N. & Iqbal, Sh. (2011). The Factors Predicting Marital Satisfaction: A Gender Difference in Pakistan. *International Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, 6(7), 63-74.
- Bagwell, Elizabeth K. (2006). Factors Influencing Marital Satisfaction with a Specific Focus on Depression. Senior Honors Theses.
- Bowen, Gary L. (1988). Family Life Satisfaction: A Value-Based Approach. *Family Relations*; 37 (4); 458-462.
- Brockwood, K. J. (2007). Marital satisfaction and the work-family interface: An overview. In E. Kossek & M. Pitt-Catsouphes (Eds.), *Work and family encyclopedia*. Chestnut Hill, MA: Sloan Work and Family Research Network. Retrieved from [http://wfnetwork.bc.edu/encyclopedia\\_entry.php?id=4236 & area= All](http://wfnetwork.bc.edu/encyclopedia_entry.php?id=4236&area=All).
- Crawford, V. P. (1990). relationship-specific investment. *The Quarterly Journal of Economics*, 105, 2.
- Rhyne, D. (1981). Bases of Marital Satisfaction among Men and Women. *Journal of Marriage and Family*, 43(4), 941-55.
- Fowers, B.J., Montel, K. H., & Olson, D. H. (1996). Predicting Marital Success For Premarital Couple Types Based on PREPARE. *Journal of Marital & Family Therapy*, 22(1), 103-119.
- Griffin, Em. (2011). *A First Look at Communication Theory*, the leading college text in the field of communication theory, McGraw-Hill press.
- Guerrero, L.K., Andersen, P.A. & Afifi, W.A. (2007). *Close Encounters, communication in relationships*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Hatfield, E. & Rapson, R. L. (2011). Equity theory in close relationships. In P. A. M. Van Lange, A. W. Kruglanski, & E. T. Higgins (Eds.) *Handbook of Theories of Social Psychology*. (pp. 200-217). London: Glyph International.
- Hendrick, S. S. (1988). A generic measure of relationship satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 50, 93-98.
- Hyde, J. S. & DeLamater, J. D. (2008). *Understanding Human Sexuality*. McGraw-Hill Higher Education.
- Juvva, S., & Bhatti, R. (2006). Epigenetic Model of Marital Expectations.





- Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 28(1), 61-73.
- Marcus, J. (n.d). Unrealistic and Unspoken Expectations Harm Relationships. Santa Monica, CA 90404. Available at <http://www.rechargerelationships.com/html/articles.html>.
- McDaniel, B., Lopez, S. & Holmes, E. (2010). Factors that Affect Marital Satisfaction across the transition to Fatherhood. *Intuition*, Vol 6:9-18.
- Miller, J. and Tedder, B. (2011). The Discrepancy between Expectations and Reality: Satisfaction in Romantic Relationships. *Hanover College, PSY 401: Advanced Research*.
- Ogolsky, G. B., & Bowers, J. R. (2013). A meta-analytic review of relationship maintenance and its correlates. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30, 3 343-367. Online before print November, 21, 2012, doi: 10.1177/0265407512463338.
- Sprecher, S. (1998). The effect of exchange orientation on close relationships. *Social Psychology Quarterly*, 61, 220-231.
- Taniguchi, H. & Kaufman, G. (2013). Gender role attitudes, troubles talk, and marital satisfaction in Japan. *Journal of Social and Personal Relationships*, Published online before print December 29, 2013, doi: 10.1177/0265407513516559 .
- Terry, Deborah J. & Scott, William A. (1987). Gender differences in correlates of marital *Australian Journal of Psychology*, 39(2): 207-221. DOI:10.1080/00049538708259048.
- Traupmann, J., Hatfield, E., & Philip W. (1983). Equity and sexual satisfaction in dating couples . *British Journal of Social Psychology*, 22, 33-40.

نویسندگان

**sf.mousavi@alzahra.ac.ir**

سیده فاطمه موسوی

استادیار گروه پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س)، محقق در حوزه زن و خانواده صاحب مقالات متعدد علمی-پژوهشی، علمی-ترویجی و ارائه مقالات همایش. مولف و مترجم چندین عنوان کتاب.

**dehshiri.ghr@alzahra.ac.ir**

غلامرضا دهشیری

دکتری روان‌شناسی و استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء (س).